

# در سوگ محمد برقی

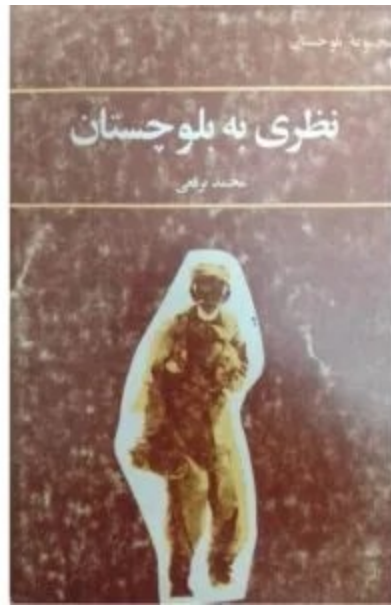


محسن کدیور

۴ فروردین ۱۴۰۲

از اینکه توفیق شرکت در مراسم تدفین، تشییع و ترحیم دوست بزرگوارم دکتر محمد برقی را ندارم  
عذرخواهی می‌کنم. با تشکر از برگزارکنندگان محترم مراسم، عرایض ضبط شده خود را به سمع و نظر سوگواران  
حاضر می‌رسانم. زندگی مرحوم دکتر محمد برقی (۱۴۰۱-۱۳۲۰) ابعاد مختلفی داشت. در این مجال به چهار  
بُعد آن اشاره مختصری می‌کنم.

**یک. برقی جامعه شناس و بلوچستان شناس:** او دانش آموخته جامعه شناسی از دانشگاه منچستر بود.  
سالها در محروم‌ترین و دورافتاده ترین نقاط استان سیستان و بلوچستان در کسوت معلمی خدمت کرده بود.  
عناوین برخی تحقیقات جامعه شناختی قبل از انقلاب او اینهاست: «نظری به بلوچستان (سفرنامه)» (۱۳۵۳)، و  
«چادرنشینان دامدار ایل ترکاشوند: تغییرات اقتصادی و اجتماعی دو دهه اخیر» (۱۳۵۶). آخرین کتاب منتشرشده  
اش نیز «پاسداران خیال (قصه‌هایی از عشایر و روستائیان فارس)» (۱۳۹۶) است. برقی یکی از بلوچستان شناسان  
معاصر بود. تجربه فراوانی در خدمت به مردم سیستان و بلوچستان کسب کرده بود. بهترین اوقات زندگانش را در  
خدمت به مردم شریف این استان محروم می‌دانست.



**دو. برقی فعال سیاسی جمهوری خواه با گرایش ملی مذهبی:** بیشک فعالیت سیاسی بخش برجسته ای از زندگی برقی را تشکیل می داد. یکی از تدوین کنندگان کتاب پرخواننده «من و خاندان پهلوی» (۱۳۷۰) و از اعضای مؤسس اتحادیه جمهوری خواهان بود. به لحاظ گرایش سیاسی به محمد مصدق، نهضت آزادی و خصوصا مهدی بازرگان، و جریان ملی مذهبی به ویژه عزت الله سحابی تعلق خاطر داشت. به دلیل مواضع انتقادی پس از انقلاب مجبور به تبعید خودخواسته از ایران شد. اگرچه بعد از خارج شدن از ایران هرگز به کشور بازنگشت، اما دغدغه اصلیش ایران و حل مشکلات مردم ایران خصوصا طبقه فرودست بود. علاوه بر آزادی، عدالت و حقوق بشر، نسبت به تمامیت ارضی و استقلال ایران بسیار حساس بود، نقدش به جمهوری اسلامی منصفانه و نجیبانه بود. به جریانهایی از اپوزیسیون که رهایی ایران را از طریق آویزان شدن به آمریکا و کشورهای اروپایی دنبال می کنند نقد ساختاری داشت. در فعالیتهای سیاسی به ضوابط اخلاقی سخت پایبند بود. برقی در چهار دهه ای که در خارج زیسته بود جریانهای داخل آمریکا (خصوصا نومحافظه کاران یا نئوکانها و لابی های اسرائیل) را بسیار خوب می شناخت، در مقالاتش خصوصا سلسله مقالات «مسیحیان دست راستی و نقش آنان در پیروزی ترامپ» اطلاعات ارزنده ای برای جامعه فارسی زبان ارائه کرد. مواضع سیاسی اش موقر و سنگین و پخته بود. از ابتدال سیاسی و سیاست مبتدل به شدت برکنار بود.

سه. برقی صوفی اهل معنی و نواندیش دینی: دکتر برقی از یکی از اصیل ترین خاندانهای قم برخاسته بود، و از جمله نواندیشان دینی محسوب می شد. از اوایل طلبگی در قم با انتشارات و کتابفروشی که متعلق به عموی وی بود آشنا شدم. نسل قبلی این خانواده گرایش عرفانی و صوفیانه داشتند. او خود اخلاق و منش صوفیانه پدرش را برایم نقل کرده بود. این همان گرایشی بود که در جان محمد برقی نشسته بود و به او طمأنینه خاصی بخشیده بود. مواضع موقرانه سیاسی اجتماعی برقی محصول این نگاه عارفانه بود. اهل معنی و متمایل به برداشت عارفانه از اسلام بود. از جمله من خود شاهد سیر و سلوک معنوی او بوده ام. به نظرم واژه «قلندر» شایسته او باشد. از مختارنامه عطار شاهد بیاورم:

زین درد که جز غصه جان می‌دهد / جز درد قلندری امان می‌دهد

آن آه به صدق کز قلندر خیزد / در صومعه هیچ کس نشان می‌دهد



چهار. برقی دوست صمیمی: نخستین بار دقیقا بیست سال قبل برقی را با کتاب «سکولاریزم، از نظر تا عمل» (۱۳۸۱) شناختم که بخش قابل توجهی از فصل پنجم آن (دین و حکومت پس از انقلاب) در نقد و بررسی آراء کدیور دهه هفتاد بود. از نیمه سال ۱۳۸۷ که من هم مانند برقی به تبعید خودخواسته در آمریکا مبتلا شدم

رشته مودت بین ما مستحکم شد. اخیراً این قسمت از کتاب وی را دوباره خواندم. دیدم تجارب این دو دهه خصوصاً غربت غربیه هم مرا متحول کرده است هم تا حدودی برقی را. من از سال ۱۳۸۰ به تدریج به ناتوانی فقه سنتی، اجتهاد در مبانی و اصول به جای اجتهاد سنتی در فروع فقهی، محدودیت فقه در مناسک و شبه مناسک، اخلاق سیاسی اسلامی به جای فقه اجتماعی و سیاسی، و «حکومت دموکراتیک سکولار» به جای حکومت دموکراتیک دینی معتقد شده‌ام. برقی نیز جدایی در صف نواندیشان دینی را در کتابش پیش بینی کرده بود، اما وی در آخرین مقالاتش اصلاح معرفت دینی [نواندیشی دینی] را بر اصلاح اصل دین [تجدیدنظرطلبی دینی] ترجیح داد، بنگرید به مقاله «روند شکل‌گیری نظریه رویاهای رسولانه» (آبان ۱۳۹۵) وی. احتمالاً گفتگوهای دوستانه در این تحولات فکری طرفین بی‌تاثیر نبوده است. او نیز بسیاری از مقالات خود را قبل از انتشار برایم می‌فرستاد و از آنها استفاده می‌کردم. هرچند من و مرحوم برقی علیرغم اشتراک نظر فراوان یک اختلاف نظر داشتیم، او از پلورالیسم دینی دفاع می‌کرد و من مدافع شمولگرایی دینی بودم، در عین اشتراک نظر در انکار انحصارگرایی دینی، و لزوم مدارا و تسامح.

دکتر برقی برادر بزرگتر و پرتجربه‌ای بود که فراوان از او آموختم. با او رفت و آمد خانوادگی داشتم. هر زمان که به واشینگتن می‌رفتم غالباً مهمان او بودم. با روابط عمومی گسترده‌ای که داشت هر وقت بنا داشتم با دیگر جریانهای فکری و سیاسی تماس بگیرم، به مرحوم برقی متوسل می‌شدم. در گردآوری شواهد و مدارک مجموعه «مواجهه‌ی جمهوری اسلامی با علمای منتقد» در اوایل دهه ۹۰ در کتابخانه کنگره به دنبال تفحص و اسکن مطبوعات فارسی سالهای نخست انقلاب بودم. بدون مساعدت برقی این تحقیقات به جایی نمی‌رسید.

شب عید سال گذشته پسر جوانش ناخواسته جان به جان آفرین تسلیم کرد، از آن پس برقی بیش از یک سال دوام نیاورد و به سوی عزیزش پر کشید. چندین نوبت در ماههای اخیر با هم از مقولات معنوی صحبت کردیم. به او توصیه کردم مصیبت نامه عطار را بخواند. اما بی‌قرار بود و دیگر حوصله ماندن نداشت. اگر توفیق حضور در نماز بر پیکر مرحوم برقی داشتم با اطمینان می‌گفتم «اللهم انا لانعلم منه الا خیرا وانت اعلم به منا» خدایا ما از

او جز خیر نمی دانیم و تو به حال او از ما داناتری. برای محمد برقی از درگاه خداوند رحمت و مغفرت مسئلت دارم و به بازماندگان آن مرحوم خصوصا همسر محترم و پسرش و همه همراهان و دوستداران ایشان تسلیت عرض می کنم.

دکتر محمد برقی ۲۵ اسفند ۱۴۰۱ از دنیا رفت و در سوم فروردین ۱۴۰۲ به خاک سپرده شد. خدایش رحمت کند.



[kadivar.com](http://kadivar.com)

<https://kadivar.com/20186/>  
[kadivar.mohsen59@gmail.com](mailto:kadivar.mohsen59@gmail.com)

تمام حقوق محفوظ است.  
نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.